



تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۳

فصلنامه علمی تخصصی

اسلام‌شناسی

بهار ۱۴۰۰ - شماره ۷۰



## جایگاه توحید در اخلاص طلبه

### چکیده

در این تحقیق به بررسی نقش توحید و بخصوص توحید عملی در ایجاد اخلاص در طلبه و نیز بررسی آثار ایجاد این اخلاص در به انجام رسیدن رسالت طلبگی چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی طلبه، پرداخته شده است.

هدف از این تحقیق بیان اهمیت اصول اعتقادی یک طلبه در ایجاد اخلاص می‌باشد، که در رأس تمام فضائل اخلاقی است و به همه اعمال انسان ارزش و جهت می‌بخشد.

توحید عملی که در واقع همان شریک قرار ندادن برای خدا می‌باشد همان مفهوم اخلاص است که اگر یک طلبه موحد خود را به این فضیلت اخلاقی بیاراید می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی آثار آن را مشاهده کند و رسالت طلبگی خود را به انجام برساند.

**واژگان کلیدی:** توحید عملی، اخلاص، اخلاص توحیدی، طلبه موحد.

\*دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خراسان

استاد راهنما: سرکار خانم دنیا پورمند استاد حوزه علمیه



## طرح بحث

توحید عملی باعث ایجاد اخلاص در طلبه می‌شود که تأثیرات فراوانی بر زندگی فردی و اجتماعی او می‌گذارد.

هدف از این تحقیق بیان ارتباط بین توحید عملی و اخلاص و راه‌های ایجاد اخلاص در طلبه موحد و بیان آثار و نتایج این اخلاص در زندگی فردی و اجتماعی وی می‌باشد. از آنجا که اخلاص و پابندی به اصول عقاید مثل توحید عملی روز به روز در جامعه و بخصوص قشر طلبه کاهش می‌یابد و میل به جاه و مقام و مال و تجملات و... جایگزین اخلاص طلبگی شده است، ضرورت بیان چگونگی ایجاد و نیز آثار اخلاص در به انجام رساندن رسالت طلبگی، به خوبی روشن می‌شود.

اهمیت این تحقیق در بیان ضرورت پابندی یک طلبه به اصول عقاید، از قبیل توحید عملی می‌باشد که در ایجاد فضائل اخلاقی مثل اخلاص ضرورت فراوان دارد. می‌باشد؛ و از آنجا که اخلاص یا همان پاک بودن نیت برای خداوند به تمام اعمال انسان ارزش و جهت می‌بخشد، لذا در زندگی فردی و اجتماعی طلبه به عنوان شخصی که الگوی دیگران می‌باشد، اهمیت فراوان دارد.

در این تحقیق سعی شده به سؤالاتی نظیر اینکه معنا و مفهوم توحید و اخلاص چیست و چه رابطه‌ای بین اخلاص و توحید وجود دارد و اینکه چگونه اخلاص در یک طلبه شکل می‌گیرد و اخلاص در زندگی فردی و اجتماعی طلبه چه نقشی دارد، پاسخ داده می‌شود.

لازم به ذکر است که کتاب‌هایی نظیر اخلاص و ربا در قرآن و نهج‌البلاغه و کتب اخلاقی و اعتقادی زیادی به بیان موضوعات توحید و اخلاص پرداخته‌اند ولی وجه تمایز این نوشته با سایر کتب در ایجاد ارتباط بین این دو اصل اعتقادی و اخلاقی و تأثیر آن در زندگی طلبگی می‌باشد که یکی از مشکلات این کار همین ایجاد ارتباط بین معانی توحید و اخلاص و جمع‌بندی آن در زندگی طلبه می‌باشد.



این تحقیق به خاطر استفاده از کتب دینی و آیات و روایات نگرشی دینی دارد و به دلیل بیان راه حل برای ایجاد اخلاص در طلبه و ارائه راهکار، روشی کاربردی دارد. در این تحقیق ابتدا مفاهیم کلی توحید و اخلاص و جایگاه آن در آیات و روایات و ارتباط توحید عملی و اخلاص بیان گردیده و سپس به عوامل ایجاد اخلاص در طلبه و در پایان به بررسی تأثیر اخلاص در زندگی فردی و اجتماعی طلبه اشاره شده است. از این تحقیق نتیجه‌گیری می‌شود که اخلاص بهترین نمود توحید عملی می‌باشد که به‌وسیله تفکر و اندیشه، خودشناسی، دوری از دنیاطلبی و... ایجاد می‌شود و دارای آثاری نظیر شرک زدایی، شکوفایی فطرت، محبوبیت و... در زندگی فردی طلبه و آثاری نظیر ادای امانت الهی، تبلیغ مؤثر، انفاق و... در زندگی اجتماعی وی دارد.

## الف. توحید و یگانگی خدا

### ۱. مفهوم توحید

توحید یعنی یگانه دانستن خداوند و شریک قرار ندادن برای او است.

خداوند در آیه ۳۴ سوره حج می‌فرماید:

«وَاللَّهُ كُفُّوا إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلَمُوا».

خدای شما یکی است پس در برابرش سر تسلیم فرود آورید.

«لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (اسراء/ ۲۲).

با خداوند، خدای دیگر قرار مده.

همه انسان‌ها فطرتاً خدانشناس و خداپرست هستند. خداوند می‌فرماید: خدا فقط یکی است و خود را تسلیم امر او کنید. زیرا اگر چند خدا وجود داشته باشد نظم جهان بر هم می‌خورد؛ و در آیه‌ای دیگر اشاره می‌کند:

«لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ أَلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیا/ ۲۲).

اگر در آسمان و زمین غیر از خداوند، خدای دیگری بود جهان به فساد و ویرانی کشیده



می‌شد.

توحید شعار اصلی همه پیامبران بوده است و حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با این شعار از کوه حراء بیرون آمد: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» و در حدیث دیگری فرمود: «أَفْضَلُ

الْعِبَادَةِ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (ر.ک، قائمی، ۱۳۸۸، ص ۴۰)

### - ارتباط توحید و اخلاص طلبه

تأثیر و نفوذ توحید در انسان مراتب و درجاتی دارد و تفاوت انسان‌ها از نظر کمال انسانی و قرب به خداوند به این درجات بستگی دارد. یعنی هرچه درجات صدق و اخلاص بیشتر باشند، قرب و معرفت توحیدی نیز بیشتر خواهد بود. از آنجا که طلبه الگوی دیگران در اصول اخلاقی و بخصوص اخلاص که در امر تبلیغ تأثیر بسزایی دارد، می‌باشد. ضروری است که مراحل توحید را به خوبی طی کند تا بتواند به این فضیلت اخلاقی خود را مزین کند.

توحید درجات و مراتب دارد، همچنان که شرک در مقابل آن نیز مراتب دارد و تا انسان تمام مراتب توحید را طی نکند، موحد واقعی نیست و آن‌ها عبارت‌اند از:

توحید ذاتی: یعنی شناخت ذات حق به وحدت و یگانگی.

توحید صفاتی: یعنی درک و شناسایی ذات حق به یگانگی عینی با صفات و یگانگی صفات با یکدیگر.

توحید افعالی: یعنی درک و شناخت این که جهان با همه نظامات سنن و علل و معلولات و اسباب و مسببات، فعل او و ناشی از اراده اوست.

توحید در عبادت یا توحید عملی: یعنی یگانه پرستی و به عبارت دیگر در جهت پرستش حق یگانه شدن است.

مراتب اول تا سوم توحید، نظری و مربوط به شناختن و معرفت است، ولی توحید عملی از نوع بودن و شدن است. بنابراین، توحید عملی؛ یعنی تنها خدا را مطاع و قبله روح و جهت حرکت قرار دادن و طرد هر مطاع و جهت و قبله دیگر، خواه هوای نفس باشد:



«افرایت من اتخذ الهة هوا» (فرقان/۴۳)

آیا ندیدی آن کس را که هوای نفس خود را خدای خود قرار داده است؟  
و یا بعضی از انسان‌ها را: «وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ» (آل عمران/ ۶۴)  
و یا عالمان دینی:

«إِتَّخَذُوا إِحْبَارَهُمْ وَ رَهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ» (توبه/۳۱)

پس توحید عملی همان اخلاص در عمل است. یعنی همان روی دل و چهره قلب خود را  
حق گرایانه به سوی خدا کردن و همه چیز را برای او خواستن؛ چنانچه در آیه ۱۶۳ سوره انعام  
می‌خوانیم:

«وَجَّهَتْ وَجْهِي لِلذِّی فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِن صَلَّوْتِي وَ  
نَسْكَی وَ مَحْيَایَ وَ مَمَاتِیَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

روی دل و چهره قلب خود را حق گرایانه به سوی حقیقتی کردم که ابداع کننده همه  
آسمان‌ها و زمین است و هرگز جزو مشرکان نیستم، همانا نمازم، عبادتم، زیست‌م و مردنم برای  
خداوند پروردگار جهانیان است.

وقتی به زندگی ائمه و اولیاء توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که اخلاص در زندگی ایشان نقش  
بسیار مهمی داشته و این فضیلت اخلاقی در تمامی رفتار و حالات آن‌ها تجلی پیدا کرده است. از  
آنچه که طلبه قدم در راه انبیاء گذاشته و سعی دارد که راه آن‌ها را ادامه دهد و خود را به مراتب  
عالی کمال برساند، باید اخلاص را که نشأت گرفته از اعتقاد صحیح به توحید و یگانگی خداوند  
می‌باشد، سرلوحه کار خویش قرار دهد تا بتواند رسالت طلبگی خویش را به طور صحیح به انجام  
برساند. (ر.ک، میرزا رضایی، ۱۳۸۳، ص ۶۷)

### – اخلاص بهترین نمود توحید

در آیه ۱۳۰ سوره بقره کلمه حنیف را می‌توان به معنی اخلاص عمل هم دانست. چون حنیف  
از ماده حنف به معنی تمایل پیدا کردن از گمراهی به درستی و راستی است و از آنجا که پیروان



توحید خالص از شرک روی گردان شده و به این اصل اساسی متمایل می‌شوند به آن‌ها خنیف گفته می‌شود.

در آیه ۱۳۸ سوره بقره می‌خوانیم:

«صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»

رنگ خدایی و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر و ما تنها او را عبادت می‌کنیم.

در اینجا قرآن دستور می‌دهد که از تمام رنگ‌های نژادی و قبیله‌ای و شرک‌آلود و رنگ ظاهر و خرافی و تفرقه‌انداز و غیر خدایی به درآیید و رنگ زیبا و لطیف خدایی، رنگ عظمت و شکوه و پاکی و پرهیزکاری، رنگ بی‌رنگی و عدالت، رنگ توحید و اخلاص، رنگ وحدت و صداقت و رنگ حقیقت بپذیرد تا روح و جان از هر آلودگی پاک گردد.

رئیس مکتب شیعه امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

مقصود از صِبْغَةَ اللَّهِ آیین پاک اسلام است. (الحویزی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۳۲)

پس بهترین بستر خلوص «صِبْغَةَ اللَّهِ» و رنگ خدایی است و کسانی که در آیین پاک و مطهر اسلام، بی‌ریا در آمده‌اند صبغه الهی گرفته‌اند و عبادت‌کننده معبود یگانه خویش هستند. در تفسیر صافی نیز آورده شده است که: صبغه مؤمنان همان رنگ ولایت است و میثاق ولایت می‌باشد و از این جهت صبغه گویند که اثر آن ظاهر می‌شود در مصبوغ و در قلب آن جای می‌گیرد. (فیض کاشانی، بی‌تا، ص ۵۰)

## ۲. اخلاص

### ۱- مفهوم اخلاص

اخلاص از باب افعال که ریشه آن فعل «خلص» می‌باشد در لغت به معنی ساده و خالص گردیده می‌باشد.

نظر راغب اصفهانی در معنای لغوی اخلاص چنین است: «خالص مثل صافی است با این تفاوت که خالص، آن است که آمیختگی آن از بین رفته باشد، ولی صافی گاهی به آن گویند که



اصلاً آمیختگی ندارد و اخلاص بیزاری و پاک کردن دل از هرچه غیر خداست. (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۵۵)

دهخدا نیز می گوید:

«اخلاص در لغت یعنی خالص کردن، ویژه کردن، ترک کردن ریا در طاعات و عبادات و در اصطلاح یعنی آزاد کردن قلب از مخلوط شدن و شائبه خللی که صفای قلب را خراب و مکدر می کند. (دهخدا، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۵۲۳-۱۵۲۴)

در تعریف اخلاص با اندک تفاوتی همه علما نظر واحد دارند و روح مشترک همه تعاریف پاک بودن از هر شائبه و برای رضای خدا انجام دادن و همیشه خود را در محضر خدا دانستن و او را مالک همه چیز دانستن، می باشد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده است:

«کسی که باطن و ظاهر هر گفتار و کردارش با هم متفاوت نباشد به ادای امانت الهی پرداخته و در بندگی «اخلاص» را رعایت کرده است.» (نهج البلاغه، دشتی، نامه ۲۶)

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تَرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ إِلَّا اللَّهُ»

عمل خالص آن است که نخواهی ستایش کند تو را به آن عمل کسی غیر خدای عز و جل. (عطاردی، بی تا، ص ۳۳۶)

به طور کلی اخلاص در اصطلاح پاک کردن نیت از شرک و ریا می باشد و چون اخلاص امری قلبی و وجدانی است نمی توان آن را با ظاهر و حجم کار ارزیابی کرد. (رک: میرزا رضایی، ۱۳۸۳، ص ۲۷)

### – جایگاه اخلاص در قرآن کریم

قرآن کریم منزلت بالایی برای اخلاص و مخلصین قائل است، طوری که دین خالص را فقط برای خدا می داند و می فرماید:

«إِلَّا اللَّهُ دِينَ الْخَالِصِ»، آگاه باشید که دین خالص از آن خداوند است. (زمر / ۳)



طلبه نیز که سعی دارد مجری قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) باشد و آنان را سرلوحه کار خود قرار داده است باید به این مرحله از اخلاص برسد که شیطان نتواند هرگز او را از مسیر حق منحرف سازد.

### - جایگاه اخلاص در روایات

در این قسمت بر آنیم که با توجه به ماهیت اخلاص که در همه افعال و اعمال و گفتار طلبه به عنوان یک ملاک برجسته پذیرش و مقبولیت، تأثیر بسزایی دارد و در فرهنگ اسلامی دارای جایگاه مشخص می‌باشد، مطالبی عرضه شود شاید بتوان گفت در بین حقایق اخلاقی و واقعیات روحی و عرفانی، حقیقتی به ارزش و اعتبار اخلاص نتوان یافت. حقیقتی که به وسیله آن اعمال انسان قبول می‌گردد.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«الْإِخْلَاصُ يَجْمَعُ فَوَاضِلَ الْأَعْمَالِ وَ هُوَ مَعْنَى مِفْتَاحَةِ الْقَبُولِ وَ تَوْقِيعِهِ الرِّضَا فَمَنْ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ وَ رَضِيَ عَنْهُ فَهُوَ الْمُخْلِصُ وَ أَنْ قُلْ عَمَلَهُ وَ مَنْ لَا يَتَقَبَّلُ مِنْهُ فَلَيْسَ بِمُخْلِصٍ وَ أَنْ كَثَرَ عَمَلُهُ» (شهید ثانی، ترجمه خلخالی، ۱۳۶۱، ص ۷۳)

اخلاص به همه اعمال انسانی فضیلت و برتری می‌دهد. یعنی اول اخلاص، قبول شدن اعمال و توقیع آن و رضای خداوند می‌باشد، پس کسی که خداوند اعمالش را قبول کند و از وی راضی باشد آن شخص جزو بندگان مخلص است اگرچه اعمالش کم باشد، ولی اگر خداوند اعمال کسی را قبول نکند او مخلص نیست اگرچه اعمالش زیاد باشد.

پایین‌ترین حد اخلاص این است که بنده همه نیروهایش را در راه خدا مصرف کند و باز هم برای اعمالش نزد خداوند ارزش قائل نشود که خداوند را ملزم به پاداش بداند، چون مخلص به کیفیت عمل خود آگاه است و می‌داند اگر خداوند از او بخواهد عبودیتش را با کمال بجا آورد از این کار ناتوان خواهد شد، پس برای همه اعمالش ارزشی در برابر تفضیل خداوندی قائل





بدان که دین خالص و پاک شده برای خداست و خداوند فقط عبادت خالص را می‌پذیرد و اخلاص دین برای خدا آن است که دین را از شرک بت پرستان و تثلیث نصاری و تشبیه یهود و مطلق غیر خدا، خوی و نفس و اغراض مادی و دنیوی خالص و صاف و پاک کنی و این انتخاب را به همه کسانی که رو به درگاه او می‌گذارند به صورت یک دستور و امر بیان می‌فرماید، که خود نشانه اهمیت و جوب آن در اعمال و افعال است.

«وَاٰخِرُ سُوْرٰتِنَا لِلّٰهِ» (نساء / ۱۴۶)

دین خود را برای خدا خالص سازند.

«فَاعْبُدُوْا اللّٰهَ مُخْلِصًا لِّهٖ الدِّیْنَ» (زمر / ۲)

پس خداوند را در حالی که دین خود را برای او پاک و پیراسته می‌داری بپرست؛ و آنگاه که فرصتی برای خواندن و سخن گفتن با معبودی بی‌همتا به دست آمد این آهنگ الهی در گوش جان جای می‌گیرد که:

«وَادْعُوْهُ مُخْلِصِيْنَ لِهٖ الدِّیْنَ» (اعراف / ۲۹)،

او را در حالی که دینتان را برای او پاک می‌دارید، بخوانید.

«وَلَا تَدْعُوْهُمْ اَجْمَعِيْنَ اِلَّا عِبَادِكُمْ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِيْنَ» (حجر / ۳۹-۴۰)،

(آنجا که شیطان می‌گوید) همگان را اغوا و گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان مخلص تو را. آری از دیدگاه قرآن کریم، آنان که به سلامت از جاده اخلاص عبور کرده و خود را به محضر قرب رساندند بدون اینکه خود انتظار پاداش داشته باشند، در نعمت بی‌پایان الهی منتعم خواهند بود و اینان کسانی هستند که شیطان نمی‌تواند در دل آنان رسوخ کرده و آنان را وسوسه کند زیرا توحید جزئی از وجود آنان شده و نمی‌توانند جز خدا و رضایت او هدفی داشته باشند.

در واقع کسی که در تمام حالات و اعمال خود، خدا را در نظر بگیرد و جز خوشحالی او به چیزی نیندیشد، یعنی اخلاص عمل کافی داشته باشد، همه اعمالش صحیح است و کار زشت و نامطلوب انجام نمی‌دهد و شیطان از او دور است.



نیست و پایین ترین مقام مخلصان در این دنیا سالم ماندن از همه گناهان و زشتی‌ها و نجات یافتن و رسیدن به بهشت در آخرت است. (ر.ک: میرزا رضایی، اخلاص ۱۳۸۳، ص ۴۱-۴۹)

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مورد اخلاص و نقش سازنده آن در حیات بشریت و تزکیه انسان از معاصی جاری شدن سرچشمه‌های حکمت و معرفت تا رسیدن به مقام ولایت، سخنان پرمحتوایی بیان فرموده‌اند.

ایشان ضمن حدیثی می‌فرمایند:

«إِنَّ حَيَاةَ الْأَرْضِ بِحَيَاةِ الْإِنْسَانِ وَ إِنَّ حَيَاةَ الْإِنْسَانِ بِحَيَاةِ الْعِلْمِ وَ أَنَّ حَيَاةَ الْعِلْمِ بِحَيَاةِ الْعَمَلِ وَ إِنَّ الْحَيَاةَ الْعَمَلِ بِحَبَاةِ النَّيَّةِ وَ إِنَّ حَيَاةَ النَّيَّةِ بِحَيَاةِ الْإِخْلَاصِ» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۱)

حیات زمین به حیات انسان بستگی دارد و حیات انسان نیز مربوط به حیات علم است و حیات علم نیز به حیات عمل بستگی دارد و حیات عمل به حیات نیت و حیات نیت نیز به حیات اخلاص بستگی دارد.

زندگی بدون اخلاص در واقع مرگ است و معنای حقیقی خود را از دست داده است؛ چرا که جنب و جوش بشر اگر از روی علم و بینش نباشد مایه بطالت و چه بسا قساوت و نکبت باشد و این علم با محرکه‌ای به نام نیت می‌تواند در نقش‌آفرینی افراد و نوع بشر کارساز شود؛ و نیت مزین به اخلاص است که مفهوم حیات و زندگی را روشن می‌کند و در مسیر فطری و واقعی خودش به پیش می‌برد و الا نیت غیر خالص همان فناپی است.

ایشان همچنین در حدیث دیگری جواز ورود به بهشت و جنت المأوی را ذکر توأم با اخلاص «لا اله الا الله» می‌دانند که این خود کلمه شریف اخلاص است و اگر انسان موفق به درک مفهوم آن شود بدون شک موحد و مخلص لوجه الله خواهد بود و بهشت ارزانی اوست.

«مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ إِخْلَاصُهُ بِهَا إِنْ تَحْجَزَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَمَّا حَرَّمَ

الله»

کسی که ذکر لا اله الا الله را با اخلاص به زبان آورد داخل بهشت می‌شود و البته نشانه‌های اخلاص این است که این ذکر او را از ارتکاب معاصی باز دارد.



در این جمله صدها دفتر معانی نهفته است از جمله اینکه حدیث مذکور تفسیر حدیث قبلی است که دنیا و آنچه در آن است بسته به اخلاص است و اولین مرتبه اخلاص، توحید است و حصن و دژ محکم توحید «لا اله الا الله» است.

## ج. عوامل اخلاص

### ۱. عوامل ایجاد اخلاص در طلبه موحد

در بررسی راه‌های رسیدن به مراحل متعالی اخلاص به طور خلاصه می‌توان گفت، طلبه‌ای که در سالک طریق الی الله است باید به آنچه خداوند فرموده عمل کند و همیشه رضای او را در نظر بگیرد و او را در همه حالات شاهد و ناظر خود بداند. ولی برای رسیدن یک طلبه به عنوان پیشروی دیگران به ساحل آرام و بی‌دغدغه‌ی نجات و رستگاری که حاصل اخلاص و توحید عملی می‌باشد توجه به نکات زیر لازم و ضروری است:

#### - تفکر و اندیشه توحیدی

قبل از هر چیز اندیشیدن مایه حرکت مثبت و سازنده انسان می‌باشد، تفکر در هر موضوعی راه‌گشای مشکلات و روشن‌کننده تاریکی‌ها و برطرف‌کننده ابهامات می‌باشد.

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«أَلْفِكْرُ مِرْأَةٌ صَافِيَةٌ» (نهج‌البلاغه، دشتی، حکمت ۳۶۵، ص ۵۱۰)،

نیروی تفکر آینه حقیقت نماست.

پیداست که در آینه پاک و شفاف، انسان عیوب صورت خود را می‌بیند و شناخت عیب و نقص اولین گام در اصلاح امور است. تفکر هم آینه‌ای است که علاوه بر صورت امر، توجه به سیرت و درون انسان می‌کند و خطوط غبارگرفته انحراف را نشان می‌دهد.

یک طلبه موحد باید ذهن و دل خویش را از هر چیز غیر از خداوند پاک کند و خالصانه گام در راه انجام وظایف خود بگذارد و اخلاص را که نمود بارز توحید عملی می‌باشد، سرمشق خود قرار دهد.



او باید بیندیشد که چرا به دنبال علم دین آمده و هدفش از این انتخاب چیست، چگونه می‌تواند خود را وارسته کند و با اخلاص باشد. (ر.ک: میرزا رضایی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹-۱۶۰)

### - خودشناسی

انسان باید بداند که اشرف مخلوقات و خلیفه خداوند بر روی زمین و مسجود فرشتگان می‌باشد. پروردگار همه چیز را برای او آفریده و تحت تسخیر او قرار داده است. حرمت و احترام او به قدری است که خداوند به همه فرشتگان امر به سجده در مقابل او می‌کند. خداوند در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»

گرامی داشت خدا انسان را به خاطر اعطای قوه عقل و نطق و استعدادهای مختلف و آزادی اراده و توانایی بسیار برای پیمودن مسیر تکامل به‌طور نامحدود است. پس انسان نباید این ارزش نامحدود خود را به اطاعت از هوی و هوس و نفس اماره و طاغوت‌های جهان بفروشد.

مولای مخلصان علی (علیه‌السلام) چه زیبا می‌فرماید:

«إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ تَمَنُّ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۵۶، ص ۵۲۸)،

بدانید که جان شما هیچ بهایی جز بهشت ندارد، پس به کمتر از آن نفروشید. انسان از بهشت آمده و با توجه به کرامت خدادادی و انوار هدایتی به کجا جز بهشت باید برود. انسان مخلص که فقط ذات احدیت را می‌بیند و فضیلت خود را برای او می‌خواهد، به‌جز بهشت کدامین موضع جایگاه اوست.

و در جای دیگر می‌فرماید:

«عَجَبْتُ لِمَنْ يَنْشُدُ ضَالَّتَهُ وَ قَدْ أَضَلَّ نَفْسَهُ فَلَا يَطْلُبُهَا» (آمدی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۴۰)

یک طلبه موحد باید با قوی ساختن عقاید خود و پایبندی به اصول توحید عملی که همان اخلاص و قرار ندادن نفس و دیگران بجای خداوند می‌باشد، شخصیت واقعی خود را



بیابد. زیرا حقیقت شخصیت و تعالی روح انسان در گروهی هدفی است که به خاطر آن تلاش می‌کند و کارهایش را برای او انجام می‌دهد و این هدف و نیت اوست که به کارهایش ارزش می‌دهد.

### - ناظر بودن خداوند بر اعمال انسان

ایمان به خدا و یاد او در همه حال و همه جا و اعتقاد به اینکه همه ما در محضر خدا هستیم و عالم نیز محضر خداست، او شاهد و ناظر و علیم و خبیر می‌باشد، از اساسی‌ترین اهرم‌های بازدارنده گناه و ظهور الطاف اخلاص می‌باشد. (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۳، ص ۲۳۸)

«أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي» (علق / ۱۴)

آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه چیز را می‌بیند. آیا قلبش از خوف خدا خاشع نمی‌شود. حال آنکه خداوند فرموده: اگر آیات قرآن بر سنگ نازل شود از خوف خدا به خشوع می‌افتد. طلبه به عنوان یک انسان موحد که قدم در راه تهذیب نفس و کسب مکارم اخلاق برداشته باید سعی کند خدا را در تمام مراحل زندگی خود در نظر داشته باشد تا بتواند عقیده خود به توحید افعالی که همان اخلاص می‌باشد را در خود پرورش دهد تا از این طریق بتواند مسئولیت بزرگ خود یعنی امر تبلیغ را به خوبی انجام دهد.

### - اخلاص زاییده قلب سلیم

«يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء/ ۸۸-۸۹)

در آن روزی که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشند، مگر کسی که، به قلب سلیم به پیشگاه خداوند آیند ...

روز رستاخیز که انسان با بهای حقیقی خود وارد می‌شود و آن بهایی است که ارزش اعمال دنیوی وی بوده و سرمایه واقعی او برای اذن دخول در محضر خدا می‌باشد، لذا در این آیه از دو سرمایه بزرگ که برای زندگی دنیا بسیار مهم هستند، یعنی اموال و نیروهای انسانی، یاد



فرموده که کمترین نتیجه‌ای برای صاحبانش نخواهد داشت و به طریق اولی سرمایه‌های این جهان که در رتبه‌های بعد از این دو قرار دارند، هیچ سودی نخواهد بخشید. قلب سلیم قلبی است که از هرگونه شرک و کفر و آلودگی به گناه پاک باشد. قلب سلیم، قلبی است که در آن هم ایمان خالص و نیت پاک در آن وجود داشته باشد مهم هرگونه عمل صالح.

امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ سؤالی پیرامون این آیه فرموده است:

«أَلْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَكَيْسَ فِيهِ أَحَدَ سَوَاهِ» (کاشانی، بی‌تا، ص ۳۴۷)

قلب سلیم قلبی است که خدا را ملاقات کند در حالی که غیر از او در آن نباشد. قلبی که غیر از خداوند در آن نباشد در واقع قلب با اخلاص می‌باشد پس نتیجه می‌گیریم که قلب سلیم حاصل اخلاص و توحید عملی می‌باشد.

از آنجا که برای داشتن اخلاص، قلب انسان ابتدا باید به مرحله سلامتی و قلب سلیم برسد، لذا یک طلبه موحد ابتدا باید با شرک زدایی در قلب خود و جایگزینی نیت خالص و ایمان پاک اعمال صالح در قلبش، سلامتی قلب را به دست آورد و سپس چنین قلبی است که دیگر جز خدا در آن راه پیدا نمی‌کند و توحید عملی امری طبیعی برای او خواهد بود.

### - دوری از دنیاطلبی

«أَنَا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِنْ تَوَمَّنُوا وَ تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَ يَسْئَلُكُمْ

اموالکم» (محمد / ۳۶)

همانا زندگی دنیا بازیچه و هوسرانی است. شما اگر در این دنیا به تقوا آراسته باشید خداوند پاداش اعمالتان را که بر اساس ایمان و پرهیزکاری انجام گرفته، خواهد داد و چیزی از اموال شما نخواهد خواست.

دنیاپرستی و حرکت در مسیر جاذبه‌های غیرمعقول دنیایی، تأثیر عمیقی بر دل انسان می‌گذارد و به تدریج بین این دل که حرم خداست با صاحب اصلی او فاصله می‌اندازد و به مراتب شرکای مختلف وارد آن می‌کند تا جایی که دیگر محلی برای حب خدا وجود ندارد.



آنگاه این انسان مغرور از زرق و برق دنیوی در اوج غرور و تکبر و نخوت هیچ بعید نیست که خود ادعای خدایی کند، دنیا به جذب انسان حریص است و انسان نیز از دنیا سیر نمی‌شود. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

«أَلَدُّنِيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ إِزْدَادَ عَطْشَاتِي تَقِيلُهُ» (کلینی، بی‌تا، ج ۲،

باب ذم الدنيا)

طلبه باید وارستگی و زهد را سرلوحه کار خود قرار دهد و خود را درگیر امور بی ارزش دنیوی نسازد تا فرصت بیشتری برای خودسازی و تفکر و عبادت داشته باشد. یک طلبه موحد چون قلب خود را جایگاه خدا قرار داده است و کوچک‌ترین شریکی برای او قرار نمی‌دهد و در توحید عملی به مشکل بر نمی‌خورد و هیچ‌گاه دنیا و ظواهر آن او را به خود مشغول نمی‌سازد.

## د. آثار اخلاص

### ۱. آثار اخلاص در زندگی فردی طلبه موحد

#### - اخلاص و شرک زدایی

«وَتُؤْمِنُ بِهٖ اِيْمَانٌ مِّنْ عَيْنِ الْغُيُوبِ وَ قَفَّ عَلٰى الْمَوْعِدِ اِيْمَانًا نَّفِيْ اِخْلَاصِ الشِّرْكِ وَ يَقِيْنِهٖ

الشِّرْكَ» (نهج البلاغه، دشتی، خطبه ۱۱۴، ص ۱۵۴)

بدو ایمان داریم، ایمان کسی که غیب‌ها را به چشم دیده است و بر آنچه وعده داده اند آگاه گردیده، ایمانی که اخلاص آن شرک را زدوده و یقین آن، شک را زایل کرده است. در این خطبه امام علی (علیه‌السلام) از نوعی ایمان شهودی و از اخلاص و کارایی آن و یقین و نتیجه‌اش سخن به میان آورده‌اند.

ایمان مقدمه اخلاص یا محور اخلاص است که باید بر پایه‌های محکم و استوار برقرار باشد. ایمانی که ناشی از درک و علم مؤمن نسبت به ذات اقدس باری تعالی است که در این خطبه حضرت آن ایمان را ناشی از رؤیت و شهود و دیدن می‌دانند، ایمان کسی که خود دارد



پشت پرده‌های غیب را می‌نگرد و بر آنچه که وعده داده می‌شود شخصاً وقوف دارد. مسلماً این نوع ایمان مراتب بسیار بالایی از اخلاص و یقین را همراه خواهد داشت. طلبه به عنوان یک انسان هوشیار با خودتکانی، باید این زنگارها را دور ریزد و با عطر اخلاص معطر شود. تلاش و کوشش فراوان یک طلبه موحد در انجام وظایف خود و اصلاح جامعه اگر به اخلاص و توحید عملی و نفی شرک و ابعاد آن منتهی نگردد، نفعی برایش نخواهد داشت، بلکه موجب خسران و ضرر بوده و خروج از دسته مخلصان و سرد گمی و عقوبت اخروی را نتیجه خواهد داشت؛ و چه بسا طلبه‌ای پس از سال‌ها تلاش و صرف وقت و هزینه ذره‌ای از اعمالش پذیرفته نشود و در دنیا و آخرت از زیانکاران باشد. لذا اولین چیزی که باید به عنوان میوه و ثمره درخت اخلاص انتظار داشت، همان زدودن شرک و از بین بردن آثار آن در وجود طلبه می‌باشد؛ و به‌طور قطع می‌توان گفت که حضور اخلاص مساوی با نفی شرک و عدم حضور شرک است.

### - اخلاص و شکوفایی فطرت

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ... وَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةَ» (نهج البلاغه، دشتی، خطبه ۱۱۰، ص ۱۴۹)

همانا بهترین چیزی که نزدیکی خواهان به خدای سبحان بدان توسل دارند... کلمه اخلاص است که مقتضای فطرت است.

اگر اخلاص به معنای خاص آن، که همان اخلاص ارزشی می‌باشد را این‌گونه تعریف کنیم که اخلاص عبارت است از:

مطلوب ذاتی تلقی شدن حقیقتی که با وصول به آن و با برقرار کردن رابطه با آن، عالی‌ترین استعداد انسانی به فضیلت می‌رسد و جوهر اعلا‌ی انسانی را بارور می‌سازد. در این صورت باید گفت:

باعظمت‌ترین اخلاص ارزشی که تکیه‌گاه سایر اخلاص‌های ارزشی و اصالت همه آن‌ها می‌باشد، همان اخلاص به کمال برین، یعنی الله است و چون مطلوب ذاتی بودن این حقیقت





اعلی مستلزم دریافت صفات و اسماء مقدس اوست و اینکه او هر لحظه در حال افاضه وجود به جهان هستی است، روح انسان مخلص با چنین دریافتی والا به طور دائم و مستمر در حال حرکت و تکاپو و تحصیل آگاهی به ابعاد متنوع در قلب و ذات خویش و جهان برون ذاتی خواهد بود.

اخلاص کامل همان جوشش و شکوفایی جوهر اصیل روح آدمی است. این اخلاص به بر چیزی غیر خدای متعال تعلق پیدا کند، خسارت جبران ناپذیر دارد و همه رنج‌ها و تلاش‌ها و صرف انرژی‌های مغزی و روانی که در اخلاص به غیر الله صرف شود بیهوده و بی نتیجه خواهد بود و این خداوند است که اخلاص او موجب اخلاص به همه حقایق ارزشی انسان است.

زیرا همه آن حقایق به جهت وابستگی به مشیت یا صفات خداوند جنبه قداست و عظمت پیدا کرده‌اند و فطرت پاک سرشت و بی زنگار آدمی فقط رو به سوی آن کمال مطلوب دارد.

اگر طلاب که از مقدمات تربیتی جهان محسوب می‌شوند، موفق به شکوفایی اخلاص در دل‌های مردم بشوند، مسئولیت و رسالتی که بر دوش آن‌ها می‌باشد، انجام خواهد شد.

این معجزه همان بالا رفتن کمال‌جویی مردم و توحید و صدق و اخلاص توحیدی می‌باشد که د قلمرو اقتصادی و سیاسی و... نیز تأثیر گذاشته و جهان را از این وضعیت به بهشت دنیوی و قابل آرامش و سکونت مبدل می‌سازد و اینجاست که رسالت طلبگی به انجام رسیده است.

### – اخلاص و محبوبیت

«إِنَّ مَنْ أَحَبَّ عِبَادَ اللَّهِ... قَدْ أَحْلَصَ لِلَّهِ مُسْتَخْلِصَهُ فَهُوَ مِنْ مَعَادِنِ دِينِهِ وَ أَوْلَادِ

أَرْضِهِ» (کبیری بیهقی، ۱۳۷۵، ج ۱، خطبه ۸۴، ص ۱۱۶)

البته بدون تردید محبوب‌ترین بنده خدا کسی است که... کردار خود را خالصانه برای خدا انجام داده و حق تعالی او را بدین صفت برگزید، پس او از جمله معدن‌های دین و اولاد زمین است.



از نظر امام علی (علیه‌السلام) محبوب‌ترین بندگان خدا نزد او کسی است که خداوند او را در پیکار با نفس یاری می‌دهد. در حقیقت انسان وارسته و به خدا پیوسته اگر برای او شریکی نگیرد و کمال مطلوب او خدا باشد، در تهذیب نفس و تزکیه درون از او استمداد بطلبد، این انسان همان سالک طریق مخلصان است.

حال طلبه‌ای که دل از هوس دورنگه داشته، به یاد خدا بوده، در پیمودن راه راست کوشیده و دل از همه چیز برداشته و فقط رو به سوی خدا نموده است و در حقیقت بر خلوص خویش مداومت دارد، چنین شخصی می‌تواند به مرحله محبوبیت خداوند برسد و چنین عبدی به حقیقت رسیده است.

اینجاست که امداد خدایی او را در آغوش می‌گیرد و به مرحله بلند و رفیع «فَاسْتَخْلَصَهُ» مفتخر می‌گرداند. چنین طلبه‌ای است که همه گوهرهای ناب معرفت و حکمت الهی از معدن وجودش استخراج می‌گردد و چون کوه‌های عظیم مایه آرامش زمین و همانند میخ‌های بزرگ، اهل زمین را از لغزش در امان می‌دارد.

به همین خاطر است که چنین شخصی علاوه بر اینکه محبوب خدا می‌باشد، مردم نیز به او محبت دارند و این امر در توجه قلوب مردم به سوی طلبه و روحانیت بسیار حائز اهمیت است. چرا که طلبه فقط از راه محبوبیت می‌تواند وظیفه تبلیغ خود را به بهترین صورت انجام دهد. همانند بسیاری از علماء که مردم مجذوب آنان می‌شدند و از آنان پیروی می‌کردند.

### - اخلاص و مشمولیت رحمت الهی

«رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا قَدَّمَ خَالِصًا وَ عَمِلَ صَالِحًا» (نهج البلاغه، دشتی، خطبه ۷۶، ص ۸۹)

خدا رحمت کند کسی را که عمل خالص و صالح انجام دهد.

حضرت علی (علیه‌السلام) در آغاز این خطبه تقاضای رحمت خداوند می‌فرماید برای کسانی که سخن حق و کریمانه را بشنوند و ارشاد پذیر باشند، دنبال هدایت و رهبری برای نجات خودند، از مراقبت پروردگار لحظه‌ای غفلت نورزند و همیشه از گناه بترسند، خالصانه گام بردارند و عمل نیک انجام دهند.



اگر طلبه‌ای سعی کند و به درجه‌ای از اعمال خالصه برسد، مشمول رحمت خداوند می‌شود و از فیض دعای مولا بهره‌مند می‌گردد. طلبه‌ای که به مرحله توحید عملی و اخلاص رسیده باشد و تمام لحظات از خود مراقبت کند که غفلت نرزد و برای خداوند شریکی قرار ندهد، لطف و رحمت الهی شامل او می‌شود و چه رحمتی بالاتر از اینکه چنین شخصی به این مقام بالا یعنی مقام اخلاص و بندگی رسیده است.

### - اخلاص و توکل

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق/۳)

کسی که به خدا توکل کند خدا او را کفایت می‌کند. توکل در اصل از ماده وکالت به معنی انتخاب کردن و وکیل کردن است و توکل بر خدا یعنی انسان در برابر مشکلات و حوادث زندگی و دشمنی‌ها و سرسختی‌های مخالفان و پیچیدگی‌ها و احياناً بن‌بست‌هایی که در مسیر خود به سوی هدف دارد و در جایی که توانایی برای گشودن آن‌ها را ندارد او را وکیل خود سازد و به او تکیه کند و البته از تلاش و کوشش باز نایستد، بلکه آنجا که توانایی پیدا کرد بر انجام کاری باز هم مؤثر اصلی را خدا بداند، زیرا از دریچه چشم یک مخلص و موحد سرچشمه تام قدرت و نیروها خداست.

امام خمینی (ره) به نقل از «ممتاز السائلین» می‌فرماید:

«الْتَوَكُّلُ كَلِمَةُ الْأَمْرِ كُلُّهَا إِلَى مَالِكِهِ وَالتَّعْوِيلُ عَلَى وَكَاِلَتِهِ» (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۶)

برای یک طلبه مخلص که همه‌چیز خود را از خدا می‌داند معتمدی بالاتر و برازنده‌تر از خداوند نیست و اگر انسان در اعتماد به خداوند ذره‌ای شک کند آیا دیگر می‌توان وی را فردی از طایفه «عباد المخلصین» به شمار آورد.

طلبه‌ای که اعمالش خالصانه برای خداست و در قلبش کسی یا چیزی غیر از خدا نیست و نتیجه اعمالش را به خدا واگذار می‌کند و به او توکل می‌کند و امیدش را از دیگران قطع می‌کند و در انجام وظایفش تلاش نموده و نتیجه را به خدا واگذار می‌کند، خدا نیز او را



کفایت می‌کند و نتیجه تلاش خود را می‌یابد و چنین طلبه موحدی است که می‌تواند در جامعه تأثیرگذار باشد.

### - اخلاص و تفویض

«فَسْتَدْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفَوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»، (مؤمنون/۴۴)

به زودی آنچه را می‌گوییم به خاطر خواهید آورد. من کار خود را به خداوند یکتا واگذار می‌کنم که او نسبت به بندگانش بیناست.

تفویض به معنی رد کردن است و تفویض امر به خدا به معنی واگذار کردن کار خویش به اوست. گرچه از نظر مفهوم شبیه توکل است ولی مرتبه‌ای برتر از آن است.

تفویض کننده واقعی کسی است که قصد و همت او از تمام مقاصد و مطالبی که غیر از حق است بالاتر باشد و در راه خدا برای حضرت او از تمام امور و موضوعات که به تدبیر نفسانی خود و غیر است صرف نظر کند.

طلبه موحد کسی است که تمام نقشه‌های الهی را که منعکس در قرآن و گفتار انبیاء و ائمه (علیهم‌السلام) است را با جان و دل بپذیرد و تسلیم حقایق الهی شود و بر اساس آن نقشه‌ها و واقعیات به زندگی ادامه دهد و در نتیجه از هر جهت راضی و راحت و زندگی اش بی‌دغدغه و بی‌دردسر خواهد بود و می‌تواند وظایف خود را به بهترین نحو انجام دهد.

### - اخلاص و مصونیت

«قَالَ فِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (ص/ ۸۲ و ۸۳)

گفت سوگند به عزت تو، که همگی آنان را گمراه خواهم ساخت مگر آن بندگانت را که اخلاص یافته‌اند.

اگر عنصر خلوص در فردی نیرو گرفته باشد، به همان اندازه مصونیت فرد در مقابل عوامل انگیزه ساز، تمایل به فسق و فحشا بیشتر می‌شود تا جایی که شیطان از تلاش و کوشش و طرح نقشه گمراه‌ساز ناامید می‌شود.



بندگان خالص و مخلص آن چنان نیرومند هستند که زنجیرهای اسارت شیطان را از هم می‌گسلند، لذا هنگامی که تصمیم قطعی خودش را برای اغوای دیگران به طور عام اعلام می‌کند، بدون فاصله متوجه مخلصان شده و از اراده خداوندی در خالص کردن این بندگان خالص می‌ترسد و این استثنا را قائل می‌شود.

اگر طلبه‌ای با عبودیت و بندگی بتواند حق بندگی خدا را تا حدودی بجا آورد خداوند نیز او را برای خود خالص می‌گرداند و غیر از او کسی مالک او نمی‌شود و در نتیجه شیطان نمی‌تواند او را اغوا کند و چنین طلبه‌ای می‌تواند وظیفه طلبگی و پیشرفت علمی و معنوی خود را بسیار سریع افزایش می‌دهد.

### - اخلاص و جانبازی و شهادت

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره، ۲۰۷)

از جمله مردم کسی است که جان خویش را به جهت خوشنودی خدا می‌فروشد و خدا به بندگان مهربان است.

انسان مخلص خود ساخته کسی است که وجود خود را نیز برای خدا می‌خواهد و در معامله‌ای که با خدا کرده است بزرگ‌ترین و شیرین‌ترین متاع خود، یعنی جانش را نیز در راه خدا تقدیم می‌کند و در عوض چیزی به جز رضا و خوشنودی حضرت حق نمی‌طلبد.

بدیهی است که وجود این‌گونه انسان‌های مخلص موجب نجات جامعه و تقویت ارکان دین و در یک نظام الهی باعث قوام نظام و امیدواری مردم و جامعه می‌باشد و این همان لطف و مهربانی خداوند نسبت به سایر بندگان می‌باشد که چنین کسانی را در بین آنان قرار داده است.

یک طلبه موحد باید مولای خود حضرت علی (علیه‌السلام) را الگوی خود قرار دهد و در هنگامی که اسلام و جامعه اسلامی به او نیاز دارد جانش را خالصانه در راه اسلام فدا کند. چنین شخصی است که توحید و اخلاص تمام وجودش را در بر گرفته است و جانش که شیرین‌ترین متاع اوست در برابر رضایت پروردگار برایش ارزشی نخواهد داشت.



## ۲. آثار اخلاص در زندگی اجتماعی طلبه موحد:

### - نقش اخلاص در انجام مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی

در یکی از نامه‌های حضرت امیر (علیه‌السلام) خطاب به بعضی کارگزارانش آمده است: شما را امر می‌کنم به تقوای الهی در کارهای نهانی و کرده‌های پنهانی، آنجا که جز خدا کسی نگرنده نیست و جز او راه برنده‌ای نخواهد بود.

«آمِرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سَرَائِرِ أَمْرِهِ وَ حَقَائِقَاتِ عَمَلِهِ حَيْثُ لَا شَهِيدَ غَيْرَهُ وَ لَا وَكِيلَ دُونَهُ.»

(نهج‌البلاغه، دشتی، نامه ۲۶، ص ۳۶۱)

بدیهی‌ترین برداشت از این تذکر امام علی (علیه‌السلام) این است که اولین ویژگی هر امیر و مسئولی رعایت تقوی و ترس از خدا در امور به اصطلاح محرمانه و طبقه بندی شده می‌باشد.

اخلاص سیاسی باعث می‌شود تا همه حق پویان بتوانند گرد محوری و حول شرایط مشترکی همکاری و تعاون داشته، در امور حکومت و جامعه شرکت و همکاری کنند و به خاطر نبود و یا کمبود این گوهر در وجود سران احزاب و گروه‌هایی که در خیلی از کشورهای اسلامی کشمکش‌های فرقه‌ای و حزبی، جهنمی از آتش و خون ایجاد کرده و مردم مستضعف هم در آتش این بی‌تقوایی‌ها می‌سوزد و مسئله مهم‌تر این است که گاهی افرادی با نام جویندگان شریعت و روحانیت، اصیل‌ترین و ارزشی‌ترین احکام و معارف الهی که همان حرمت انسان‌هاست، زیر پا له می‌شود.

یک طلبه موحد باید با داشتن اخلاص توحیدی در امور حکومت و جامعه شرکت کند و تحت امر ولی خود با مشکلات جامعه مبارزه نماید. اگر انسان تمام کارهایش زیر نظر و فرمان فرمانده خود باشد و جایی که رهبر دستور جهاد می‌دهد جهاد کند و جایی که دستور سکوت و پنهان‌کاری می‌دهد همان‌طور عمل کند از بسیاری خونریزی‌ها و ظلم‌ها جلوگیری می‌شود.



## - اخلاص و ادای امانت الهی

«وَأَمْرُهُ أَنْ لَا يَعْمَلَ شَيْئًا مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ فِيْمَا ظَهَرَ فَيُخَالِفُ إِلَىٰ غَيْرِهِ فِيْمَا اسْتَرَ، وَ مَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرَّهُ وَ عَلَانِيَتُهُ وَ فِعْلُهُ وَ مَقَالَتَهُ، فَقَدْ آدَى الْأَمَانَةَ وَ أَخْلَصَ الْعِبَادَةَ.» (نهج البلاغه، دشتی، نامه ۲۶، ص ۳۶)

و او را فرمان می دهد تا آشکار عبادت خدا را نگذارد ولی در نهان خلاف آن را بجا آورد و آن کسی که نهان و آشکار و کردار و گفتار او دو گونه نبود امانت را پرداخته و عبادت را خالص بجای آورده است.

مخلصون در واقع راه مستقیم الهی را شناخته و آن طوری عمل می کنند که رضای خدا را در برداشته باشد و امانت نیز فقط به معنی شیئی را نزد کسی گذاشتن نیست، بلکه امانت مسئولیت انجام تکلیف خداوند و مردم می باشد.

یک طلبه موحد به طور طبیعی در همه فرازهای زندگی (اعم از عبادی، سیاسی، اجتماعی و فردی) با توجه به درک و شناخت خود باید احساس مسئولیت نموده و به تکلیف خود عمل کند. لذا اگر منکری در حال انجام است طلبه باید به طریق مقتضی نهی از منکر کند و اگر امر خیری در حال ضایع شدن است باید با روش های معقول و شایسته امر به معروف کند. این امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه شرعی و تکلیف و امانت است و کوتاهی و مسامحه از انجام این فریضه کوتاهی در امانت الهی است. بقیه احکام و فروع دین و جامعه هم امانت الهی هستند.

اگر طلاب که رهبران دینی جامعه هستند افرادی خودساخته و پرهیزکار باشند و در مسیر عدالت حرکت کنند، مردم نیز در سلامت ایمان و آسایش زندگی می کنند ولی اگر تبعیت از هوای نفس و نفاق و ریا و دورویی سرلوحه کارشان قرار گرفت، جامعه به تباهی کشیده می شود و مردم نیز در فلاکت و بیچارگی به سر می برند.



### - نقش اخلاص در تبلیغ طلبه

با مطالعه سیره انبیاء عظام و مبلغان شریعت و نگاه قرآن به روند کاری آنان، وجود یک عنصر اصلی در کنار بصیرت و آگاهی و علم و قدرت و... لازم و ضروری بوده، طوری که اگر ذره‌ای از این عنصر کاستی نشان دهند مورد عتاب قرار گرفته و آن همان خلوص است که یک مبلغ مذهبی باید بیش از هر چیز در پیدایش و افزایش آن با همه وجود تلاش کند.

یک مبلغ خوب می‌داند که اولاً هدفی جز رضایت حق نباید داشته باشد. یعنی به فکر این نباشد که در پی تلاش‌های علمی خود و طی مراحل تحصیلی به نان و نوایی برسد.

خداوند در قرآن در سوره سبا آیه ۴۷ به پیامبر بزرگوار خود می‌فرماید:

«قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ.»

ثانیاً با توجه به ضروریات جوامع امروزی و متناسب با توسعه علوم و فنون و فناوری نیاز به دید باز و روشن از طریق تجهیز علمی و اطلاعات خود دارند.

چراکه اصل تربیت و تعلیم به صرف داشتن معلومات فقهی و حوزوی بدون توجه به روانشناسی اجتماعی و تربیتی در این دنیای نو، کارساز نمی‌باشد.

یک مبلغ و طلبه موحد باید به‌عنوان اولی‌الابصار، چشمانی داشته باشد که بینایی آن ورای شبکه‌های اطلاعاتی و پیچیده و ظریف فناوری جدید باشد.

ثالثاً، یک مبلغ خوب باید با روحیه‌ای نشأت گرفته از اتصال به قدرت لایزال الهی و اتکا به خداوند ضمن حفظ آداب سلامت فردی و اجتماعی، خود را برای گذشتن از گردنه‌های سخت مبارزه و ابتلا و آزمایش آماده کند. در این صورت یک مبلغ در راه انبیاء گام برداشته و شاید آنجا که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند:

«علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل»

اگر در این جهان چنین عالمانی باشند، متنعم از نعمات ویژه خالصان و مخلصان می‌گردند.





### - نقش اخلاص در انفاق طلبه

«وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ...» (بقره / ۲۸۵)

ملاک و انگیزه انفاق خداپسندانه و صحیح، کسب رضای خدا و تقویت روح الهی و خلوص در عمل که نتیجه‌اش آرامش در دل و جان است می‌باشد، روشن است که مراد از «ابْتِغَاءِ مَرْضَاتِ اللَّهِ» اراده وجه الله است یعنی انفاق کننده قصدی غیر رضای خداوند نداشته باشد.

انسان مخلص که در انجام انفاق در محضر خدا قرار گرفته است، مکلف به چیزی می‌باشد که صرفاً خواستن وجه اوست و آن مهر رضای او می‌باشد و «تَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ» به ثابت ماندن در خلوص هم اشاره دارد. اگر کسی بتواند انفاقی را بدون ریا و خودنمایی انجام دهد و در اخلاص خود پایدار بماند، اثر انفاق او ثابت باقی می‌ماند و تأثیرگذار می‌شود و اجر آن نزد خداوند باقی و محفوظ خواهد ماند.

طلبه باید با انفاق اموال و علم خود در راه خداوند و بدون چشم داشت اجر و پاداش، اثرات انفاقش را در زندگی خود بیابد. طلبه‌ای که دل خود را از غیر خداوند پاک نگردانیده باشد، نمی‌تواند از علم خویش انفاق کند، زیرا ممکن است نگران موقعیت اجتماعی خویش باشد که شاید دیگران با یادگرفتن علوم از او پیشرفت بیشتری در جامعه داشته باشند و فقط طلبه‌ای می‌تواند انفاق در همه زمینه‌ها داشته باشد که بداند خداوند او را می‌بیند و فقط برای رضایت او کار کند و اخلاص داشته باشد و در غیر این صورت نمی‌تواند رسالت خویش را انجام دهد.

### - اخلاص و حفظ حقوق مسلمین

«و شدّ بالاخلاص و التوحید حقوق المسلمین فی معاقدھا، فالمسلم من سلم المسلمون من

لسانه و یده الا بالحق» (نهج البلاغه، دشتی، خطبه ۱۶۷، ص ۲۲۷)



و به سبب اخلاص و توحید، حقوق مسلمانان را در مواضع خود به هم ربط داده است، پس مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان از دست و زبان او سالم و آسوده باشند. کسی که در میدان عمل اخلاص قرار گرفت دیگر از هواپرستی و دنیاپرستی و حب دنیا که در رأس همه خطاها می‌باشد پرهیز می‌کند. انسان مخلص انسان مخلص هرگز به خود اجازه نمی‌دهد که پا از حریم خود فراتر گذارد. در واقع کلیه سفارشات که در مورد اخلاص و توحید عملی در روایات آمده است برای این است که جان و مال و حقوق مردم محفوظ بماند.

طلبه موحدی که در اصول اعتقادی و خداشناسی در سطح بالایی باشد، می‌داند که رضای خداوند در رضایت بندگان اوست و اگر مؤمنی از او ناراحت باشد خداوند نیز از او ناراحت می‌باشد. لذا سعی می‌کند به وظایف اسلامی خود عمل کند و با گفتار و رفتار خویش برای دیگران مشکل ایجاد نکند و حقوق مسلمانان را حفظ کند و نه تنها به دیگران آسیبی نمی‌رساند بلکه در جهت رفع مشکلات آنان تلاش نیز می‌کند.



### نتیجه بحث

توحید که همان یگانه دانستن خداوند و شریک قرار ندادن برای او می‌باشد، دارای مراحل است که مهم‌ترین آن توحید عملی می‌باشد که مصداق عملی آن اخلاص است؛ چرا که مفهوم اخلاص نیز پاک بودن از هر شائبه و همیشه خود را در محضر خدا قرار دادن است. در آیات و روایات توصیه‌های زیادی به داشتن اخلاص یا همان توحید عملی شده است.

یک طلبه برای ایجاد اخلاص در خود نیاز به تفکر و اندیشه و خودشناسی و ایمان و... دارد.



اخلاص دارای اثراتی در زندگی فردی طلبه موحد نظیر شرک زدایی، شکوفایی فطرت، محبوبیت، توکل و... دارد. از اثرات اجتماعی اخلاص در زندگی طلبه می‌توان به شرکت در امور سیاسی و اجتماعی، حفظ حقوق مسلمین، ادای امانت الهی، تبلیغ مؤثر و ... اشاره نمود. از آنجا که زندگی یک طلبه الگویی برای دیگران می‌باشد، لذا یک طلبه می‌تواند با ایجاد اخلاص در خود، به اعمال خویش ارزش و جهت الهی بدهد و در انجام رسالت خویش موفق‌تر باشد.



## منابع و مأخذ

✽ قرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

✽ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی

۱. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، بیروت، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ه.ق.

۲. اصفهانی، راغب، مفردات، انتشارات دارالکتب العربی، بی‌تا.

۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، به تحقیق ربانی شیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربیه، بی‌تا.

۴. حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۳ ق.

۵. خمینی، روح‌الله، چهل حدیث، تهران، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۸.

۶. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، نشر سنبله، چاپ ۱۳۸۶، چاپ دوم.



۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۶۵.
۸. شهید ثانی، مصباح الشریعة، ترجمه کاظمی خلخالی، تهران، انتشارات حجر، ۱۳۶۱.
۹. عطاردی، عزیزالله، ترجمه مشکات الانوار، دهلی، بی تا.
۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، چاپ سنگی، یک مجلدی، بی تا.
۱۱. قمی، عباس، سفینة البحار، تهران، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. قائمی، اصغر، اصول اعتقادات، انتشارات ادبا، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. کندری بیهقی، قطب الدین، حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه، قم، انتشارات اعتماد، ۱۳۷۵
- ۱۵- میرزا رضایی، علی، اخلاص و ریا در قرآن و نهج البلاغه، مشهور، چاپ اول، ۱۳۸۳.

